



بحران عراق . علل و چشم اندازها

طی روزهای گذشته گروه های بنیاد گرای اسلامی عراق بصورت برق آسائی موصل دومین شهر بزرگ این کشور را تصرف کرده و ودرپیشروی به سوی بغداد شهرها و مناطق مهم دیگری از جمله تکریت و بخش های مهمی از استان های دیاله و تل انبار وپالایشگاه بزرگ نفت دیجی را به تصرف خود درآوردند. در جریان این حملات نفرات ارتش عراق بدون مقاومت با بجای گذاشتن تسلیحات و تجهیزات خود فرار را برقرار ترجیح داند و نیروهای مقابل درراس آنها داعش (حکومت شام و عراق) هم اکنون به بغداد پایتخت این کشور نزدیک شده و آن را تهدید میکنند. در جریان این جنگ و گریز میان نیروهای دولت ارتجاعی و ضد مردمی عراق و نیروهای ارتجاعی و سپاه اسلامی، صدها نفر از توده های زحمتکش مردم جان خود را از دست داده و صدها هزار تن خانه و کاشانه خود را رها کرده و آواره شده اند. اینک شکلگیری گروه ها و دستجاتی نظیر داعش ، النصره ، القاعده ، بوکوحرام و آتشی که در اغلب کشورهای خاورمیانه از جمله عراق ، سوریه ، افغانستان ، یمن و غیره افروخته شده است ، محصول دخالت سیاسی و نظامی قدرت های امپریالیستی و دول ارتجاعی منطقه از یکسو و فشار اقتصادی و اختناق سیاسی بر توده های زحمتکش مردم و سرکوب بی رحمانه جنبش های اجتماعی مترقی و چپ از طرف دارو دسته های حاکم ، از سوی دیگر است ، شک و تردیدی نیست و همچون آفتاب نیمروز بر همگان روشن و آشکار است

ادامه در صفحه ۲

حملات وحشیانه اسرائیل به نوار غزه محکوم است

رژیم متجاوز و نژادپرست اسرائیل باردیگر توده های مردم فلسطین را آماج حملات وحشیانه قرار داده است. آنها این بار کشته شدن سه جوان اسرائیلی را بهانه حملات تجاوزکارانه خود قرار داده اند ، در حالیکه هنوز عاملین قتل آنها مشخص نشده است و سازمانهای فلسطینی نیز هیچکدام قتل این نوجوانان را برعهده نگرفته اند. ادامه در صفحه ۲

۱۸ تیر ۱۳۷۸ انفجار خشم کین

" سالار حسامی "

حرکت تیر 1378 که به غلط ((جنبش دانشجویان)) نام گرفت ، بی شک حرکتی توده ای بود که در شرایطی ویژه که دانشجویان بوجود آوردند ، استفاده نمود . این حرکت انعکاس نفرت و بیزاری توده های تحت ستم و استثمار شده ای بود که قیام 57 آنان بمنظور تحقق دمکراسی و عدالت اجتماعی از جانب مرتجعین اسلامی سرکوب شده بود ادامه در صفحه ۶

با تمام توان خویش به خلق مقاوم کرد در سوریه یاری رسانیم!

" کمیته کردستان "

هجوم وحشیانه مزدوران ارتجاع اسلامی " دولت اسلامی در عراق و شام" داعش به خلق مقاوم کرد در سوریه به شدت ادامه دارد و این در حالی است که قتل و جنایت مزدوران ارتجاع اسلامی با حمایت بی دریغ امپریالیسم جهانی و دیگر کشورهای مرتجع منطقه با سکوت نهادها و ارگانهای باصطلاح مدافع حقوق بشر همراه است..... ادامه در صفحه ۹

یاد رفیق کبیر حمید اشرف در اراده پولادین فدایی کمونیست همیشه زنده است!

صفحه ۸



جام جهانی آدم کشی

احسان حقیقی (پاتوره)

صفحه ۲

به مناسبت سالگرد جاودانه

شدن سعید

صفحه ۱۰

"سوسن شهبازی"

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی . برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

بحران عراق. علل و چشم اندازها

اما آنچه که زمینه های تاریخی و عینی و اجتماعی تحولات در این منطقه و دخالت قدرتهای خارجی و عروج جریانان ارتجاعی مذهبی را بیشتر فراهم کرده است، همانا وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تاریخی منطقه ای است که کشورما هم جزئی از آن محسوب میگردد. و سازمان ما در مباحث کنگره پنجم منعقد در شهریور 89 و در گزارش سیاسی منتج از آن، با تحلیل اوضاع منطقه، چنین تحولاتی را محتمل دانسته بود. این منطقه سالها است که آستان چنین وقایعی است. علاوه بر اهمیت ژئوپلیتیک، و وجود منابع عظیم نفت و گاز، نیروی کار ارزان و بازار مصرف گسترده که این منطقه را به میدان سلطه، رقابت و نفوذ قدرتهای بزرگ امپریالیستی و یکی از مراکز مهم منازعات آنها تبدیل کرده است، دلایل ساختاری دیگر و پراهمیت تری نیز در سرنوشت کنونی آن دیمدخل اند.

1- منطقه ای که از دیرباز از مسیر رشد عادی خود باز مانده و در نتیجه جنگ و جدال صاحبان قدرت و دخالت دول امپریالیستی و در راستای منافع سرمایه جهانی مرزهایی تعیین شده و دولت ملت های مصنوعی شکل گرفته اند که مردمان ساکن آنها سالها است در جنبه تضاد و تناقضات ملی، مذهبی و ستم های جنسی و طبقاتی، بعلاوه عقب افتادگیهای فرهنگی گرفتارند. بدون اینکه از حداقل حقوق شهروندی برخوردار بوده باشند. دولتهای دست نشانده و تحمیلی،

یا کارگزاران مستقیم دول قدرتمند امپریالیستی بوده اند و یا محصول سازش اجباری سران ایلات و عشایر و اقوام و مذاهب مختلف در این منطقه که بصورت یک همبود در یک نقطه به هم گره خورده و به صورت یک دولت ملت ناقص الخلقه از بالا و توسط دول خارجی به توده های مردم تحمیل شده اند. 2- در این منطقه از آفریقا گرفته تا بخش مهمی از آسیا و بویژه خاورمیانه، بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی الیگارشیهای مذهبی، باندهای مسلط بر نفت، خاندان پادشاهی و یا باندهای نظامی وابسته به این و یا آن دولت در سرزمینهایی که بر طبق منافع دول امپریالیستی تجدید تقسیم شده بودند، بالای سر این همبودها که با یک دولت ملت معمولی محصول پیشرفت مناسبات سرمایه داری فاصله زیادی داشتند، گمارده شدند و سالها بر مقدرات مردمان حکم رانده اند. نقش و کارکرد این دولت ها تامین و تضمین منافع قدرت های مسلط، ایجاد محیط امن برای سودآوری سرمایه داخلی و خارجی از طریق سرکوب جنبشهای ترقی خواهانه و جنبش های انقلابی، بویژه جنبش کارگری و سوسیالیستی و تامین و تضمین جریان سوخت مورد نیاز کشورهای امپریالیستی، بازگرداندن دلارهای نفتی از طریق واردات کالاهای مصرفی از کشورهای معظم سرمایه داری، خرید تسلیحات و یا سرمایه گذاری در شرکت های چند ملیتی و تلبار دلارهای نفتی دربانگ ها و موسسات مالی

کشورهای متروپل، تشدید استثمار کارگران و توده های زحمتکش مردم و سرکوب هرگونه اقدامات اعتراضی آنها از سوی دیگر بوده است. 3- توده های مردم ساکن در این منطقه بارها برای خلاصی از ستم و استثمار و زور و سرکوب به پا خاسته اند، اما یا سرکوب شده اند و یا با به میان کشیدن اختلافات ملی، قومی، قبیله ای و مذهبی آنها را به جان هم انداخته و جنبشهای اجتماعی آنها را تضعیف، منحرف و سرانجام با شکست مواجه نموده اند. 4- اکنون با گسترش مناسبات سرمایه داری و اجرای سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی و تاثیر بحران اقتصادی جهانی در این کشورها، از یک سو بردامنه بیکاری و گرانی و فقر و فلاکت عمومی افزوده شده است و از سوی دیگر انباشت ثروت و قدرت در دستان الیگارشیهای حاکم شکاف طبقاتی را به شکل بی سابقه ای عمیق تر و عیان تر نموده است. در نتیجه چنین وضعیتی است که جنبش های اجتماعی علیه نابرابری های اقتصادی و ستم و استثمار و بی حقوقی شکل میگیرند، جنبشهایی که همزمان با الیگارشیهای حاکم، منافع طبقه مسلط و سرمایه جهانی را نیز مورد تهدید قرار میدهند. 5- اما به خاطر ضعف و گاه فقدان جریانان انقلابی و دمکراتیک و کارگری و سوسیالیستی که بتوانند توده های کارگر و زحمتکش مردم را آگاه نموده و حول خواست های اقتصادی

حملات وحشیانه اسرائیل به نوار غزه محکوم است

رژیم متجاوز و نژادپرست اسرائیل باردیگر توده های مردم فلسطین را آماج حملات وحشیانه قرار داده است. آنها این بار کشته شدن سه جوان اسرائیلی را بهانه حملات تجاوزکارانه خود قرار داده اند، درحالیکه هنوز عاملین قتل آنها مشخص نشده است و سازمانهای فلسطینی نیز هیچکدام قتل این نوجوانان را برعهده نگرفته اند. در نتیجه بمباران های مداوم جنگنده های اسرائیل و حملات زمینی آنها به غزه، تاکنون صد ها نفر از توده های رنج دیده مردم فلسطین کشته و هزاران نفر زخمی و از خانه و کاشانه خود آواره شده اند. حملات زمینی و هوایی اسرائیل بقدری گسترده و وسیع و بی رحمانه است که آمبولانسها قادر به انتقال زخمی ها نیستند و اجساد کشته شدگان در وسط میادین و خیابانها به حال خود رها شده اند.

رژیم ناتانیاهو این بار نیز همچون سالهای گذشته تحت عنوان «مبارزه با تروریسم» دست به این جنایت هولناک زده است و وی درحالی با این ادعا جنایات جنگی علیه مردم فلسطین را توجیه میکند که بنا به اخبار منتشره و ادعای فرمانده نظامی رژیم اسرائیل در مقابل صد ها کشته و زخمی چندروز اخیر، تنها دو یا سه سرباز اسرائیلی کشته شده اند و تازه یکی از آنها هم با تیر نیروهای خودی به هلاکت رسیده است. رژیم صهیونیستی اسرائیل درحالی برطبل مبارزه با تروریسم «میکوبد که علاوه بر اشغال سرزمینهای فلسطینی و بی توجهی به ده ها قطعنامه سازمان ملل در محکومیت خانه سازی در این سرزمینها که محل مسکونی و کار و زندگی میلیون فلسطینی آواره بوده است به بمباران خانه های مردم، مراکز آموزشی، بیمارستانها، کودکانها و

فروریختن هزاران تن بمب بر محل اسکان آوارگان فلسطینی ادامه میدهد. اسرائیل حتی حاضر به ترک مناطق اشغالی نبوده و عملا با خانه سازی در این مناطق از برسمیت شناختن حق فلسطینیها برای تعیین سرنوشت خود و داشتن کشوری مستقل در محدوده ای کوچک را هم برنمیتابد. جنگ اخیر و حملات ددمنشانه اسرائیل به مناطق مسکونی و کشتار زنان و کودکان بیگناه به هربهانه ای که آغاز شده باشد، پیشبرد سیاستی است که طبقه حاکم اسرائیل در داخل و منطقه و فلسطین اشغالی دنبال میکنند. لذا روشن است که تلاشهای دبیرکل سازمان ملل برای اعلام آتش بس اگر هم به نتیجه برسد، آتش بسی خواهد بود موقت و بسیار شکننده، چرا که اسرائیل و جنایتهای آن که مورد پشتیبانی امپریالیستها و دولت های مرتجع منطقه است، به هیچکدام از خواست های برحق مردم فلسطین گردن نخواهد گذاشت و توده های رنج دیده مردم فلسطین کماکان به آزمایشگاهی برای سلاحهای کشتار جمعی امپریالیستها تبدیل خواهند شد و مردم غزه باز هم درهول و هراس تکرار تجاوزی دیگر به سر خواهند برد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست حمله اسرائیل به توار غزه را محکوم میکند و از مبارزات توده های مردم فلسطین علیه متجاوزین پشتیبانی میکند و امید و اراست که مقاومت و مبارزات خلق زحمتکش فلسطین و سایر خلقهای منطقه از یکسو و اعتراضات افکار عمومی مترقی و انقلابی جهان از سوی دیگر دولت صهیونیستی اسرائیل و حامیان امپریالیست آن را وادار به عقب نشینی کرده و سرانجام با مقاومت و مبارزه توده های رنج دیده مردم فلسطین و شکل گیری جنبش های مترقی و انقلابی و سوسیالیستی منطقه، چشم انداز

واقعی صلح و ثبات و زندگی مسالمت آمیز بین ملیت های مختلف ساکن منطقه، از جمله مردم زحمتکش فلسطین و اسرائیل گشوده شود.

سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست 25 تیر 1393

جام جهانی آدم کشی

داعش آمد و با هنرنمایی خود کشتار سوریه را تحت پوشش قرار داد. جمهوری اسلامی در این گیر و دار فعالین سیاسی عرب و سنی مذهب را می کشد! (وضع فعالین کارگری که بستگی به شرایط ندارد، همیشه زیر فشار و تیغ بوده اند) رژیم فاشیستی اسرائیل مردم بی دفاع غزه را به آتش و خون می کشد. آلمان هفت گل به برزیل می زند، جهان غریو می کشد. اسرائیل ۷۰ بمب توی غزه! داعش هفتصد گلوله توی نخاع کودکان موصل! سوریه که فعلن در انتهای جدول است. جمهوری اسلامی اما با توجه پیشینه اش در این جام هنوز می تواند مدعی باشد. این ها (تصویر زیر) هم تماشاگران میدان آدمکشی اسرائیلند که دارند تیمشان را تشویق می کنند. و البته در میانشان پان کردالیسم هایی که با یک «های» نتانیاهو پروفایل فیسبوکشان تبدیل شد به پرچم اسرائیل هم ممکن است وجود داشته باشند.

و البته نباید در این بازی های خونفشان نقش آشکار مریبان آمریکایی را منکر شد. به هر روی به نظر شما قهرمان این جام کی خواهد بود؟ احسان حقیقی (پاتوره)



بحران عراق. علل و چشم اندازها

سیاسی متحد کرده و پیروزی آنها را مسجل سازند. این جنبش‌ها به سرعت از مسیر انقلابی خود منحرف شده و با دخالت قدرتهای امپریالیستی و کشورهای منطقه که هرکدام دنبال منافع خویشند، به اجزای ملی، مذهبی و قومی و قبیله‌ای تقسیم شده و با دادن امکانات تسلیحاتی و مالی و اطلاعاتی توسط دولت‌های زینفع، در مقابل هم قراردادها می‌شوند. شکل‌گیری جریان‌های ارتجاعی مذهبی نظیر داعش‌ها، النصره‌ها، القاعده‌ها و دیگر جریان‌های قومی و عشیره‌ای که هیچ سنخیتی با ساختارهای اجتماعی کنونی ندارند، برچین زمین تاریخی و اجتماعی و سیاسی امکان‌پذیر شده و با پشتیبانی مالی و تسلیحاتی دول غربی و رژیم‌های مرتجع منطقه به یک تاز میدان تبدیل شده‌اند. 6- واضح است که در نتیجه فجایعی که امپریالیسم آمریکا در عراق با کشتار مردم بیدفاع مرتکب شد و قضاوتی که در زندان‌های نظیر ایوگریب و غیره به آن دست زد، ظلم ستمی که دولت مرکزی عراق بر توده‌های زحمتکش مردم از ملل و مذاهب مختلف اعمال می‌کند و شکاف پرنشدنی بین فقر و ثروت، علیرغم وجود منابع ثروت‌های عظیم در این کشور، خود زمینه‌ساز توهم بخشی از مردم نسبت به جریان‌های ارتجاعی نظیر داعش و دلیل موفقیت آنها محسوب می‌شود. 7- آنچه که اکنون در عراق می‌گذرد بدون تردید می‌تواند در کشورهای منطقه از جمله ایران نیز اتفاق افتد. چهارچوب کشورهایانی که در آن ملیت‌های مختلف تحت ستم و

استثمار و مذاهب گونه‌گون سالها است که تحت حکومت‌های سرکوبگر از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی خود محروم بوده‌اند. از جمله ایران که در آن نظام سرمایه‌داری زیر سلطه استبداد، دیکتاتوری، اختناق و تبعیض و جوخه‌های اعدام تکامل یافته است، طبقه حاکم ارتجاعی ولایت مطلقه فقیه متکی بر قوانین ارتجاعی مذهب شیعه، هرگونه مخالفتی را با زندان و اعدام پاسخ می‌دهد. میلیون‌ها نفر از اهالی سنی مذهب از آنجمله، کردها، ترکن‌ها، بلوچ‌ها، عرب‌های سنی، بهائی‌ها و سایر اقلیت‌های ملی و دینی، علاوه بر تحمل ستم ملی، بواسطه باور به مذهبی غیر از شیعه دوازده امامی، از حقوق شهروندی بسیاری حتی در چهارچوب قوانین ارتجاعی موجود، محرومند. زنان بمانه نیمی از جمعیت کشور از طریق وضع قوانین مذهبی و ضد آزادی و برابری زن، در رنج و عذاب دائمی‌اند و اعتراضات آنها با سرکوب و زندان و اعدام پاسخ می‌گیرد. کارگران و زحمتکشان جامعه که تولیدکنندگان اصلی نعم مادی هستند، به نحو بی سابقه‌ای مورد استثمار و زور و سرکوب قرار می‌گیرند و از حق تشکل و اعتراض و اعتصاب محرومند، شکاف طبقاتی وسیع و بیکاری و گرانی بیداد می‌کند. در کشوری که سازمانها، احزاب و تشکلهای سیاسی دموکرات، انقلابی و سوسیالیستی مخالف، بشدت سرکوب می‌گردند، درچنین اوضاع بغرنجی که بستر مناسب رشد جریان‌های ناسیونالیستی و مذهبی و ارتجاعی را فراهم کرده است، پیش آمدن حوادث و وقایعی نظیر آنچه که در عراق اتفاق افتاده



دوستی و اتحاد ما کارگران ملل مختلف در نبرد مشترک ما بر علیه سرمایه‌داری حاصل می‌شود نه در نفی حقوق دموکراتیک یکدیگر. برای همین است که برنامه ما با در نظر گرفتن رشد تاریخی ملل ساکن ایران تشکیل فدراتیو شورائی را هم شکلی از استقلال و هم شکلی از گذار به وحدت آزادانه و کامل پیشنهاد می‌کند. در جمهوری فدراتیو شورائی همه ملیتها حق دارند بدون قید و شرط تصمیم بگیرند که در صورت تمایل در نهادهای فدرال شورائی شرکت کنند و یا جدا شوند. فدراتیو شورائی شکلی از اتحاد است که خلق‌های دارای حق تعیین سرنوشت بطور دواطلبانه به آن می‌پیوندند. فدراتیو شورائی درست نتیجه و برگردان درخواست‌ها و مطالبات و مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهاست و آن قوانین، فرم‌ها و اشکالی را ثبت می‌کند که خود کارگران و زحمتکشان در جریان مبارزه و انقلاب بوجود می‌آورند. نمونه‌هایی که اشکال نطفه‌ای آن را در انقلاب مشروطیت و تکامل یافته‌تر آن را در قیام بهمن شاهد بودیم و اگر در آن موقع سطح رشد و تکامل جامعه و صف بندیهای طبقاتی مانع از آن شد که این تلاشها به استقرار اشکال حکومتی طبقه کارگر منجر نگردد. امروز با طرح و حل این مسائل باید امکانات نظری و عملی آنها فراهم نماییم.

**با کمک های مالی
خود سازمان اتحاد
فدائیان کمونیست را
یاری رسانید.**

است، امر دورازانتظاری نیست. 8- آنچه که درعراق میگذرد جنگ ارتجاعی و ضد انقلابی تمام عیار دولت های دینفع، شرکت های عظیم امپریالیستی برای تسلط بر منابع نفت و گاز، نیروی کار ارزان وبازار مصرف این منطقه، گروه های مذهبی و قومی و قبیله ای که هرکدام ازطرف دولت های مرتجع منطقه ازجمله جمهوری اسلامی و دول امپریالیستی حمایت مالی و اطلاعاتی و تسلیحاتی میشوند، است. دراین جدال توده های زحمتکش مردم منطقه وعراق بازندگان اصلی این میدان محسوب میشوند. درشرایط کنونی آنچه که بعنوان وظیفه عاجل احزاب و جریانات انقلابی، کمونیستی و جنبش کارگری این کشورها محسوب میشود، نه کنارایستادن و نظاره کردن به صحنه جنگی است که نتیجه اش هرچی که باشد چشم اندازی جزسیاهی و تباهی برای آنها در پی نخواهد داشت. بلکه سازماندهی خود و ارائه یک برنامه انقلاب اجتماعی است که درآن مطالبات کارگران، زنان، ملیت های تحت ستم و استثمار، حقوق کودکان، رفاه اجتماعی و سرانجام راه حل سوسیالیستی به صراحت بیان شده باشند. کاملاً روشن است که دروضعیت فعلی پیشبرد چنین برنامه ای درکشورهائی نظیرعراق بدون سازماندهی توأمان مبارزه سیاسی و نظامی امکانپذیر نمیباشد.

به نظر ما شعار جمهوری فدراتیو شورائی که یک جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شورائیت بمثابه آلترناتیو و راه حل کارگری معضلات مبتلا به کشورهای این منطقه،

ازجمله عراق و ایران دارای کاربرد اساسی است. جمهوری فدراتیو شورائی ضمن برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خود، در عین حال دعوتی است مشخص برای اتحاد طبقه کارگر تمام ملل ساکن این منطقه و طرح و تبلیغ و ترویج این شعار در عرصه مبارزات جاری مشتمل مذهب، ناسیونالیسم و شونیسم را باز و این امکان را بوجود میآورد تا توده های کارگر و زحمتکش مللی که زیر ستم له شده اند از شعار های ناسیونالیست ها، مذهبپون و دولت های بورژوائی و ارتجاعی منطقه و قدرت های امپریالیستی کنار کشیده و تحقق خواست ها و آمال و آرزوهای سرکوب شده خود را در حکومت کارگری و شورائی جستجو کرده و باین مبارزه بپیوندند. فدراتیو شورایی نه فدراسیون منطقه ای، بلکه فدراسیونی است از سازمانهای اجتماعی اقتصادی است که بر منافع واقعی طبقه کارگر و زحمتکششان جامعه استوار است و با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی و جغرافیائی این منطقه که ده ها سال است سایه استبداد، دیکتاتوری، و بی حقوقی بر آن سایه افکنده و بورژوازی چه درقامت کشورهای استعمارگر امپریالیستی و چه درقامت صاحبان قدرت و ثروت محلی، عامل اصلی وضعیت کنونی هستند، رسیدن به چنین هدفی، یعنی گذار از استبداد به دموکراسی سوسیالیستی و گذار از واپس مانده ترین اشکال و سازمانهای سیاسی به پیشرفته ترین و مدرن ترین، در عین حال آزاد ترین سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نیاز به مبارزه، ازجان گذشتگی و نیاز به بالابردن سطح آگاهی، تشکل و

اتکاء به نفس طبقه کارگر وزحمتکشان دارد. در این نبرد سرنوشت ساز، مساله اصلی و سیاست عملی عبارت است از متحد کردن طبقه کارگر و توده های رنج دیده ملل گوناگون بمنظور راه انداختن مبارزه مشترک جهت بر انداختن طبقه حاکمه این کشورها و برقراری جمهوری فدراتیو شورایی است.

این موضع را ما سالها قبل درجلسات مشترک جریانات انقلابی برخی ازکشورهای این منطقه درمیان گذاشتیم و ضمن هشدار نسبت به احتمال وقوع حوادثی که اکنون درعراق وسایر کشورهای منطقه اتفاق افتاده است از آنها خواستیم حول استراتژی معینی همکاریهای مشترک سازماندهی شود. اکنون که اوضاع درکل منطقه به نحو بیسابقه ای به هم خورده و کشورهای منطقه به میدان جنگ قدرتهای امپریالیستی، دول مرتجع منطقه و ناسیونالیسم و مذهب شده است، ضرورت سازماندهی همکاریهای مشترک احزاب سازمانها و تشکلهای انقلابی، کمونیستی، کارگری دراین منطقه ازهرزمان دیگر مبرم تر است و ماباردیگر ضمن پشتیبانی از جنبش های مستقل کارگری، زنان، خلق های تحت ستم و استثمار و احزاب و سازمانهای انقلابی دراین منطقه، آنها را به همکاری مشترک جهت شکل دهی به یک آلترناتیو سوسیالیستی و ازادخواهانه و انقلابی درمنطقه که تنها راه خلاصی از بربریت سرمایه و جنگ و کشتار است، دعوت میکنیم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
تیر 1393

۱۸ تیر ۱۳۷۸ انفجار خشم کین

حرکت تیر 1378 که به غلط ((جنبش دانشجویان)) نام گرفت ، بی شک حرکتی توده ای بود که در شرایطی ویژه که دانشجویان بوجود آوردند ، استفاده نمود . این حرکت انعکاس نفرت و بیزاری توده های تحت ستم و استثمار شده ای بود که قیام 57 آنان بمنظور تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی از جانب مرتجعین اسلامی سرکوب شده بود .

این حرکت انعکاس 21 سال محرومیت سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی از تمامی آن چیزهایی بود که به حقوق بشر معروف است . انعکاس نارضایتی توده ای بود که 21 سال زیر پای سنگین ارتجاع سیاه مذهبی و سرمایه داری غارتگر و جنگ طلب سرکوب شده بود . یکی از ویژگیهای ((حرکت تیر ماه)) به نسبت حرکتهای دیگر در طول مدت حاکمیت جمهوری اسلامی و بخصوص دوران بعد از جنگ ، همان توده ای بودن آن بود که هم معرف گستردگی این حرکت به نسبت حرکتهای پیش از خود و هم معرف ویژگی مستقل و طبقاتی آن بود . این دو ویژگی که در رادیکال بودن سریع شعارها و مطالبات به شیوه قهرآمیز خود را به نمایش گذاشت موجب گردیدند تا بار دیگر آن بخش از بورژوازی و خرده بورژوازی به ظاهر آزادیخواه و اصلاح طلب که حول پلاتفرم خاتمی گرد آمده بودند در نیمه راه شیپور عقب نشینی را زده و در درون حاکمیت همصدا گردند . مجبور کردن مردم به اطاعت از قانون ، اطمینان دادن به بنیادهای حکومتی و دولتی جمهوری اسلامی سیاستی است که ((جبهه دو

خردادیها)) با استفاده از آن میکوشیدند رژیم جمهوری اسلامی را از خطر سرنگونی و انهدام برهانند . عمل جناح دیگر حاکمیت در رابطه با نمایش مضحک قدرت و توان در دفتر تحکیم وحدت نیز عملی تازه و تعصب برانگیز نبود . این بار اول نبود که چاقوکشان این جناح عربده کش با شعار ((میکشم ، میجرم ، میبرم)) به میدان میامد و بدون آنکه میان دوست و دشمن فرق گذارد مشغول دست و پا شکستن و خفه کردن بود و علیرغم ظاهر مذهبی خشکه مذهبی که به خود میگیرند حتی از سوزاندن قران و انداختن عمامه برای بوجود آوردن فضای ترس و خفقان ابایی ندارند . اینبار نیز چماقداران حاکمیت با هجوم به خوابگاه دانشجویان و آتش زدن وسایل دانشجویان و کشتن چندین نفر از دانشجویان میخواستند به خیال خویش برای مخالفانشان خط و نشان بکشند . ویژگی این حرکت به نسبت حرکات قبلی در این بود که هیچکدام از دو جناح حاکمیت قادر به کنترل آن نبود . علیرغم تهدید جناح عربده کش رژیم و پند و اندرز قلم بدستان و چاپلوسیهای جناح اصلاح طلب ، بخش بزرگی از دانشجویان خواستار خروج از دانشگاه بودند و روزنامه های وابسته به جناحها نیز نتوانستند از خروج دانشجویان مستقل در دانشگاه ممانعت بعمل آورند . دانشجویان مستقل در عمل با خروج از دانشگاه رهبری حرکت را بدست گرفتند . روزنامه های ((کیهان)) و ((اطلاعات)) و دیگر روزی نامه های تحت نفوذ جناح چماقدار ، دانشجویان مستقل را ((مزدور بیگانه)) خطاب

میکردند . روزنامه های ((نشاط)) و (همشهری)) و مجلات وابسته به جناح اصلاح طلب آنها را سنگ پران و لاستیک آتش زن معرفی میکردند . مزدوران و انصار حزب الله بودند که میکوشیدند تا دانشجویان را منحرف سازند و حرکت آنها را از مسیر عادی خویش خارج نمایند . اما هیچ کدام از این دسیسه ها معجزه گر نشد . دانشجویان و جوانان بپا خاسته شعار میدادند ، ((یا مرگ یا آزادی)) و به این طریق و با ابزار نارضایتی خویش مضحکه بازار تمدن اسلامی را تمسخر گرفتند . مشارکت توده های مردم در تظاهرات اعتراضی خیابانی اطراف کوی دانشگاه و همچنین گسترش اعتراضات به دیگر شهرها ، نشاندهنده نیرو و توان توده ای و ناتوانی حاکمان در مقابله با سیل خروشان توده ها بود . خواهش و التماسهای خامنه ای و خاتمی ، وعده و وعیدهای آنها بمنظور دستگیر کردن کسانی که به کوی دانشگاه حمله کرده بودند و اخراج فرمانده هان نیروهای انتظامی زمانی که بی نتیجه ماند جای خود را به تهدید و دستگیری گسترده داد که نشان دهنده اوج ترس و وحشت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در برابر اعتراضات گسترده توده ای بود . بی شک جنبش توده ای تیر ماه 78 مبارزه توده ای را وارد مرحله نوینی ساخت اینکه میگوئیم مرحله ای تازه ، طبیعی است نخست از نظر تاریخی آن و سپس از نظر سیاسی آن است . به این معنی که دوره تردید و دو دلی نسبت به جناح اصلاح طلب رژیم به پایان رسید . قیام شش روزه تیرماه اگر چه سریعاً سرکوب گردید ، اما در طول مدت زمان کوتاه خود به خوبی سیمای خاتمی و دست

روزه تیر ماه هیچگاه به معنی مرگ این جنبش نبوده و نیست و گسترش این جنبش در چند سال اخیر و پس از قیام تیر ماه 78 در تظاهرات توده ای همچون تظاهرات زنان ، جوانان و کارگران و زحمتکشان ، دانشجویان و دانش آموزان و همچنین ده ها و صدها نمونه اعتصاب و راهپیمایی ، راستی و صحت این بینش را به اثبات میرساند که هر حرکت اجتماعی فراز و نشیب به خود خواهد دید و طبیعی است که حرکت خود بخودی که سازماندهی نشده باشد سریعاً دچار ضعف و ناتوانی خواهد گشت . حرکت تیرماه علیرغم عمر کوتاه خویش توانست جو سیاسی را در درون جامعه باز کرده و هزاران جوان را به میدان سیاسی جامعه بکشانند که این جوانان در ابتدای ورود خویش با سنگ و چوب به جنگ نیروهای سرکوبگر و چاقوکشان رژیم رفتند . آنها توانستند با درک و آگاهی انقلابی برده های شک و تردید نسبت به حاکمیت تحمیلی را کنار زده و پوشالی بودن دستگاه رژیم را به نمایش گذارند .

انقلابی برای آزادی تا چه اندازه ریشه در داخل جامعه دوانیده است و چگونه عقاید و برنامه این گروهکها !! میتواند ستونهای حکومت جمهوری اسلامی را از جا کند . اما مهمترین دستاورد این جنبش در سطح بین المللی و در آشکار کردن نقش خاتمی بود . اقدامات بعدی رژیم در سرکوب هرگونه اعتراضی ، بخوبی نشان داد که پایدارترین جبهه برای کسب آزادیهای سیاسی در ایران جبهه ای است که در تضاد کامل با نظام جمهوری اسلامی تشکیل شده باشد و همه جناحهای رژیم را آماج قرار دهد . پیام این جنبش به نیروها و سازمانهای کمونیستی و انقلابی بسیار واضح بود . انقلاب اجتماعی ایران هزاران سرباز جان فدا را دارا است که به تجربه شما در زمینه سازماندهی ، تعیین خطوط حرکت و تشکیل شبکه های ارتباط گیری با دیگر گروههای اجتماعی نیاز دارند . سازماندهی همه جانبه نیروها بمنظور پاسخگویی به این ضرورت و وظیفه اصلی تمامی نیروهای انقلابی است . سرکوب قیام شش

اندرکاران و مزدوران وابسته به جناح آنرا به نمایش گذاشت . با رشد و گسترش تضادهای اجتماعی ، خاتمی نقش مرکزیت خویش را از دست داد و مجبور گردید تا از میان نیروهای تغییر طلب و خواهان بقای رژیم یکی را برگزیند . او نیز انرا برگزید که انتظارش میرفت . همصدا با همکاران خویش که فریاد برآوردند ((بگریه ، ببندید ، بکشید)) از ((سعی و تلاش پر ارزش وزارت اطلاعات که در این زمینه نیز دوشادوش نیروهای نظامی و انتظامی برای استقرار نظم و امنیت !! تلاش کرده بودند)) قدردانی نمود . این حرکت خودجوش توده ای ، همه آنهایی که میخواستند در چهارچوب اصلاحات این رژیم حرکت نمایند و تاکنون از نبود گستردگی توده های مردم در میدان سیاست استفاده نموده اند و خود را بعنوان نیروی سیاسی معرفی مینمودند ، از خواب بیدار کند و اثبات نمود زمانی که نفرت و بیزاری توده ها به حد انفجار رسد ، تنها آن نیروهایی که رسم قیام راستی تغییرات انقلابی را قبول دارند و برای این حرکت برخوردار از قانون اجتماعی ، برنامه مشخصی ارائه میدهند ، میتوانند مبارزه توده ای را به پیش برند . قیام تیر ماه همچنین اهمیت ارتباط میان جنبش داخلی و خارج از کشور را نشان داد . اگر چه رژیم آن نیروهایی را که به دلیل سرکوب گسترده سیاسی امکان فعالیت گسترده و علنی در داخل کشور را ندارند ، به نام ((گروهک)) کوچک قلمداد میکند و آنها را مسخره میکند ، اما این قیام نشان داد که شعارهای این گروهکها !! بمنظور سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و مبارزه

مبارزه برای خواست های عمومی دموکراتیک و پیش برد پیگیر و رادیکال آن ، از مبارزات طبقه کارگر برای آزادی و برابری جدائی ناپذیر است ، به این منظور طبقه کارگر میباید ضمن حفظ استقلال طبقاتی خود به سازماندهی خواستهای عمومی ، دموکراتیک در سطح وسیعتری اقدام کند و بسهم خود در جهت وحدت بخشیدن به این مبارزات در اشکال خاص خود ، نظیر جبهه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و اتحاد عمل های مقطعی و سازماندهی نشریات و تشکل های دموکراتیک کوشی کند ...



یاد رفیق کبیر حمید اشرف در اراده پولادین فدایی کمونیست همیشه زنده است !

گرفتن تجارب و استفاده از آنها در مبارزه ، سازماندهی و رهبری تشکیلات به شیوه ی مبتکرانه اصول تئوری و پراتیک را باهم تلفیق میکرد . حمید با در نظر گرفتن این تجارب بود که بارها سازمان را از ضربات پلیس حفظ نمود و با سازماندهی جدید آرزوهای رژیم را ناکام میگذاشت و تبلیغات سردمداران رژیم درباره اتمام کار سازمان و نابودی آنرا بی اثر میکرد . وظیفه حمید اشرف بیش از هر چیز در حفاظت و ادامه کاری فعالیت سازمان بود که علیرغم ضربات سنگین پلیس و دستگیری و شهادت رهبران آن ، میبایست بعنوان تنها سازمان سیاسی پرولتاریا به فعالیت خویش ادامه میداد تا اینکه بتواند از اهداف و آرمانهای طبقه کارگر دفاع نماید . در آزمون بود که آندسته از اپورتونیستهایی که بدنبال اثبات حقانیت سالهای بی عملی و تسلیم طلبی خویش بودند ، هر زمان که تهاجمات دیوانه وار رژیم متوجه سازمان بود با تبلیغات ارتجاعی رژیم همصدا میشدند و حماسه نبردهای قهرمانانه رفقای ما را به تمسخر میگرفتند و گاهی اوقات نیز علنا و بیشرمانه همصدا با رژیم ادعای مزدوران رژیم مبنی بر مرگ و نابودی سازمان را جار میزدند . اما هر بار تجربه بطور غیر قابل انکار ادعاهای مزدوران سرمایه و اپورتونیستهای بی عمل را بی ارزش مینمود و بیش از پیش ثابت مینمود که تاریخ مبارزه طبقاتی با خون و مقاومت حماسی نوشته خواهد شد . مبارزه با جنگ بی امان طبقات بر علیه یکدیگر ادامه خواهد یافت ، اهداف پرولتاریا نه در راههای مسالمت آمیز مبارزه طبقاتی ، بلکه در راههای سخت و دشوار و از میان

حمید در طول سالهای مبارزه در سنگر سازمان ، با آشنایی تمام از اصول و شیوه های مبارزه مخفی با آتش سلاح خویش چنان ترس و وحشتی در دل مزدوران و جلادان رژیم پهلوی افکنده بود که آنان در پس دیوارهای بشدت محافظت شده خویش نیز احساس امنیت و آسایش نمی کردند . حمید اشرف بیش از 14 بار حلقه محاصره و کمین پلیس و ساواک رژیم را با هوشیاری بی نظیر خویش و با نبرد قهرمانانه خویش درهم شکست . نبرد قهرمانانه وی در میان مردم بیشتر به معجزه شبیه بود . اما حمید نه تنها در کار نظامی و جنگ چریکی بلکه در سازماندهی و رهبری سیاسی تشکیلات از توانایی بسیاری برخوردار بود . حمید اشرف پس از ضربه های سنگین پلیسی سالهای 1350-1349 از رفقای بود که با اراده پولادین خویش تشکیلات را بازسازی کرد و با کار و فعالیت شبانه روزی خویش ادامه کاری فعالیت سازمان را تضمین نمود . رفیق کبیر حمید اشرف برای اصل سازماندهی ، انتقاد و انتقاد از خود به شیوه مارکسیستی - لنینیستی و نظم و انضباط تشکیلاتی اهمیت زیادی قائل بود . در حالیکه در مقابل رفقای تشکیلات خود بزرگ بین نبود و از اشتباهات و نواقص انتقاد میکرد در همان حال در برابر انحرافات سرسختانه موضع گیری میکرد . او با بررسی بی وقفه نقاط ضعف و قوت سازمان و در نظر

روز هشتم تیر ماه 1393 ، 38 سال از شهادت چهره شاخص جنبش نوین کمونیستی ایران ، فرزند انقلاب و پر از احساس کارگران و زحمتکشان ، مبارزه راه آزادی و سوسیالیسم ، رفیق کبیر حمید اشرف یکی از بنیانگذاران و رهبران کبیر سازمان و 9 رفیق فدایی دیگر : مجد رضا یثربی ، غلامرضا لابق مهربانی ، غلامعلی خراط پور ، عسگر حسینی ابرده ، علی اکبر وزیر ، مجد حسین حق نواز ، طاهره خرم ، یوسف قانع خشکه بیجاری و فاطمه حسینی میگذرد . جنگاوران کمونیستی که حماسه مقاومت قهرمانانه آنان در برابر مزدوران سرمایه در همه جای کشورمان صدا داد و امروز پس از گذشت 38 سال هنوز هم نام حمید اشرف بعنوان جنگاوری پر احساس ، انقلابی سرسخت و کمونیستی سازمانده بر درفش مبارزه خونین طبقه کارگر و توده های تحت ستم ایران میدرخشد . توده های زحمتکش ایران نام حمید اشرف را در مقاومت بی نظیر و درگیریهای قهرمانانه وی بر علیه جلادان رژیم پهلوی و مزدوران سرمایه ، میشناسند . حمید اشرف با احساس کینه و نفرت عمیق از دشمن و عشق بی پایانش به آزادی کارگران و زحمتکشان در مقابله با موانع و مشکلات لا علاج فعالیت و مبارزه مخفی و در مقابله با سیل تهاجمات رژیم سمبل خواست و اراده و قاطعیتی بود که هیچ مانعی را توانای ایستادن در مقابل آن نبود .

نشیب را از سر گذارنده و با تجربه اندوزی از شکستها و پیروزیها و با بکارگیری تجارب گذشته ، از اصول درخشان رهبران شهید خویش می آموزد ، پرچم سرخی که با خون هزاران حمید اشرف رنگین گشته بعنوان پرچم خونین طبقه کارگر ایران برفراز جنبش انقلابی افراشته گشته ، پرچم خونین مبارزه قهر آمیز و بیان بر افکن ستمکشان و استثمار شوندگان .

پادش گرامی و راهش پر رهرو باد

برجاست . مبارزه آنان از جانب هزاران تن دیگر از توده های ستمکش که شیفته قهرمانی و مقاومت و جانفشانی آنانند ادامه خواهد یافت . پیشگامان طبقه کارگر سرچشمه عشق و محبت کمونیسم در دل توده های زحمتکش و تحت ستم هستند . امروز در حالی یاد رفیق کبیر حمید اشرف و ۹ رفیق فدایی هم سنگر وی را گرامی میداریم که جنبش فدایی و سازمان ما صدها فرزند و

آتش نبردهای سنگین تحقق خواهد یافت . رژیمهای ارتجاعی هر بار که سازمان را مورد هجوم قرار داده و ضرباتی وارد ساخته اند ، در دستگاههای تبلیغاتی خویش ادعا نموده اند که سازمان را نابود ساخته اند . اما کیست که نداند این سازمان شکست را نخواهد پذیرفت و با خون و حماسه هر با تجربه تر محکمتر از قبل سر بر خواهد آورد و مبارزه خونین انقلابی را به پیش برده است . بعد از تابستان ۵۵ که رفیق کبیر حمید اشرف و ۹ تن دیگر از رفقای فدایی پس از چندین ساعت درگیری به شهادت رسیدند دستگاههای تبلیغاتی رژیم و اپورتونیستها محبوس در خانه های امن و آرام خویش و محافل روشنفکری خارج کشوری صحفات بسیاری را سیاه ساختند تا اینکه حقانیت حرافهایی شکست خورده خویش را به اثبات برسانند . اما طولی نکشید که بار دیگر فدائیان خلق یعنی پاس دارندگان خون حمید اشرفها ، خواب را از چشمان مزدوران و جلادان ربودند و تمامی تلاش و کوشش اپورتونیستهای میهنی و طرفداران مبارزه مسالمت جویانه را بی اثر نمودند . سازمان آتش و خون زنده بود و رد طول اعتلای جنبش توده ای ، پشتیبانی بر احساس و بی نظیر میلیونها نفر از توده های کارگر ، دهقانان ، روشنفکران انقلابی و دیگر زحمتکشان از سازمان ما و تبدیل آن به بزرگترین سازمان مارکسیست - لنینیست خاورمیانه و طرفداری میلیونها کارگر و زحمتکش از آن نشاندهنده این حقیقت بود که علیرغم ضربات پی در پی و از دست دادن بهترین و شایسته ترین رهبران جنبش ، اما آرمانهای آن همچنان پا

با تمام توان خویش به خلق مقاوم کرد در سوریه یاری رسانیم !

گروه ارتجاعی " دولت اسلامی در عراق و شام" داعش ، پس از تصرف موصل واقع در شمال عراق در روز ۱۰ ژوئن با پیشروی به سمت جنوب عراق بسیاری از شهرهای استان صلاح الدین از جمله تکریت و بیجی را به کنترل خود در آورد ، و پس از به غنیمت گرفتن مقادیر زیادی تسلیحات سبک و سنگین در عراق و انتقال آنها به سوریه از آنها برای تصرف مناطق خارج از کنترل خود در شمال ، شرق و جنوب سوریه استفاده کردند .

این گروه از روز دوم جولای حمله ای همه جانبه به کوبانی را آغاز کرده است و با حمله به شهر کوبانی و روستاهای اطراف حمله به مواضع واحدهای مدافع خلق تلاش کرده که این مناطق را نیز در امتداد مرز ترکیه به کنترل خود در آورد .

بر پایه گزارش سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان گروه داعش شهر کوبانی را از سه طرف به محاصره خود درآورده و حملات مرگباری را به قصد تصرف آن تدارک دیده است. و هر لحظه احتمال سقوط کوبانی و وقوع فاجعه انسانی در آن محتمل می باشد .

ما در کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ضمن حمایت فاطح خویش از مبارزات بر حق خلق کرد و دیگر خلق های سوریه بار دیگر تمامی نیروهای انقلابی و افکار مترقی را برای حمایت از دستاوردهای خلق کرد در سوریه فرا می خوانیم.

کمک به خلق کرد و گروههای مبارز کرد در سوریه وظیفه احزاب و جریانات مترقی ، چپ و کمونیست در سراسر جهان است . جنگ کنونی در سوریه نبرد تفکر آزاد و پیشرو و انقلابی در برابر تفکر واپس گرایانه و متحجر و ضد انقلابی است که با اتکا به خرافات اسلامی و با کمکهای وسیع امپریالیسم و ارتجاع منطقه درصدد سرکوب مبارزه و انقلاب است.

پرتوان و پیروز باد مبارزات بر حق خلق های ستمدیده در سراسر جهان

نابود باد ارتجاع

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - کمیته ایالتی کردستان

سی ام تیر ۱۳۹۳ برابر با بیست و یکم ژوئیه ۲۰۱۴

به مناسبت سالگرد جاودانه

شدن سعید

"سوسن شهبازی"

"همیشه مرگ،

همیشه عزا،

سعید جان"

اسماعیل خویی

در هفته ای که گذشت از سر دلجویی نزد دوستی رفتم که در عزای عزیزش به ماتم نشسته بود. رفته بودم تا شاید او را مرحمی باشم اما دریغ که زخم های درونم این امکان را نداد. حسی عجیب داشتم. حس فریادی که در گلو خفه شده باشد. حس زنی کتک خورده که از ترس، صدایش را در گلویش حبس می کند.

حس مادری که عزیزش را کشته اند و حتی تهدید می شود که اگر تعرض کنی، زندگی را بر تو سیاه تر خواهیم کرد. حس زندانی که همواره در آن، هستی و محکومیت پایانی ندارد. حس زنی که لخت می شود و تمام تنش گُر می گیرد ولی مجبور به همخوابگی ست و گرنه کودک بیمارش را از دست خواهد

داد. حس کسی که می خواهد حرف بزند ولی گوشی نمی یابد. آری تماماً حس بودم و به دوستم گفتم: می دانی تلخ ترین لحظه در زندگی، وقتی است که همه چیز را می بینی و هیچ کاری نمی توانی بکنی. این را گفتم و تمام شب از بد خوابی جان کندم و در کشاکش کابوسی ویرانگر بودم.

امروز نیز همان درد را دارم. همان حس خفگی. همان حس سرکوب. خودم را لحظه ای در آینه نگاه کردم از دیدن خودم گریه ام گرفت. از این بیچارگی، ملولم. حوصله ی هیچ کاری را ندارم. اگرچه از کله ی سحر در جنب و جوشم ولی سرم جای دیگری است. سرم درد می کند. تم درد می کند. حتی قلمم درد می کند. با خود در درون زخم خورده ام صحبت کوتاهی با رفیق سعید سلطانپور داشتم. صدای رسایش وقتی می خواند: "با کشورم چه رفته ست؟"، عاصی ترم کرد. سعید را دیدم در آن لباس دامادی، با شور و نشاطی که به خون نشست. سعید را دیدم که همین امروز اعدام شد. دیدم دقیقاً مثل چند شب پیش هیچ کاری نمی توانم بکنم.

فریاد خفه ای کلیم را می فشارد. وقتی تمام وجودت فریاد است اما حنجره ات را یارای برکشیدن آن نیست. تنها از رگهای تنت اشک می ریزد. همان که گفته اند: "اشک کباب، باعث طغیان آتش است". در این طغیان آتش، چهره ی شعله بار سعید را می بینم که از دور دست جاودانگی و از شب دامادیش به روی ما لیخند می زند...

Kar@fedayi.org



آخرین اخبار و گزارشات، مقالات، اطلاعیه ها و نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.com

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و با ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

info@kare-online.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

سوسیالیسم و کمونیسم نه محصول تخیلات بشر دوستانه بوده و نه مفاهیم و مقولاتی مقدس هستند که در رویاهای مصلحین اجتماعی و در آرزوهای خام انسانهای ناتوان در برابر اتفاقات و حوادث تاریخی و طبیعی شکل گرفته باشند. کمونیسم محصول جامعه سرمایه داری مدرن و نتیجه جدال دو طبقه متضاد اجتماعیست: طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار که دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری معاصر را تشکیل میدهند.

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!